

در این مراسم، حضور پررنگی از سوی مسئولان و کارکنان دستگاه قضایی و اداری و همچنین خانواده‌های محترم شهدای گرامی و دانشجویان و همکاران داشتند.

پس از اقامه نماز و تلاوت قرآن مجید، سرکار عالی در بیانیه‌ای پرمعنی و پربار، به بیان احوال و خاطرات شهدای گرامی پرداختند و از مقامات و مسئولان و همکاران و خانواده‌های محترم تشکر و قدردانی نمودند.

سرکار عالی در ادامه، به بیان احوال و خاطرات شهدای گرامی پرداختند و از مقامات و مسئولان و همکاران و خانواده‌های محترم تشکر و قدردانی نمودند.

در این مراسم، از روستاهای پیرامون آبادان، عیونیه، از مراکز منتخب تشیع در ایلات بوده است. آل به یادگاران که در برگزاری اینهای مجلس و مراسم عزاداری حاضر و آید محرم، یادگور ناجیه

## تکیه حاج میرزا آقاسی

فرد چهارم و پنجم در روزه حکومت می‌کردند پس از حرامی روی به دست معولان گروهی از مردم روی رفته رفته به تهران کوچیدند در قریبای هفتاد و چشم، مراسم سوگواریهای جمعی و گروهی و دسته‌ای در راه شوشه شوشه و پیرا کردن مجلس عزاداری و تکبیر و سوگواری فریاد می‌زدند و در این روزها سوره‌ای حسنی قریب



مختلفه، متذکر بودتلاف متیان می‌کنند و گریه اظلم اوقات بر سر این گوشه مراسم احتیلاف و تکیه حاج میرزا آقاسی سالار شهیدان شرکت می‌کردند شرح این وقایع در کتاب «تذکره الفقیر» نوشته عبدالجلیل فروزینی به تفصیل آمده است.

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
عنايت الله شهيدی  
رتال جامع علوم انسانی  
چنین به قصد شکار فرودین بهم بر می‌آید، چنانکه در این نغمه به سر می‌برد و چنانکه می‌دانیم باره‌اش، بوگرد تهران بناگردد از همان زمان به تهریح آباد جای روی

۱- برپاوردن و تألیف نگه کتاب که برپه از امضای زمان ایشان، می ۱۳۶۶-۱۳۷۰

ری و تهران و برخی از روستاهای پیرامون آنها، از دیرباز از مراکز مذهب تشیع در ایران بوده است. آل بویه/دیلیمیان که در برگزاری آئینهای مذهبی و مراسم عزاداری عاشورا و ایام محرم، به یادکرد فاجعه کربلا، علاقه و اهتمام بسیار داشتند، سالها (در قرن چهارم و پنجم) در ری حکومت می‌کردند. پس از خرابی ری به دست مغولان گروهی از مردم ری رفته رفته به تهران کوچیدند. در قرنهای هفتم و هشتم، مراسم سوگواریهای جمعی و گروهی و دسته‌روها و نوحه‌خوانیها، و برپا کردن مجالس وعظ و تذکیر و سوگواری در ری و تهران رایج و معمول بوده است. حتی فرقی مختلف سنیان، برخلاف سنیان بغداد که با شیعیان محله «کرخ» اغلب اوقات بر سر این گونه مراسم اختلاف و نزاع داشتند<sup>(۱)</sup>، در عزاداری سالار شهیدان شرکت می‌کردند. شرح این وقایع در کتاب گرانقدر «النقض» نوشته عبدالجلیل قزوینی به تفصیل آمده است.<sup>(۲)</sup> از آن پس تهران مورد توجه و علاقه شاهان صفوی قرار گرفت. شاه طهماسب صفوی که در بیشتر سالها برای زیارت حضرت عبدالعظیم و هم چنین به قصد شکار از قزوین به تهران می‌آمد، چندگاهی در این قصبه به سر می‌برد؛ و چنانکه می‌دانیم باروئی برگرد تهران بنا کرد. از همان زمان به تدریج تهران جای ری

۱- دربارهٔ این وقایع نک: کتاب آل بویه و اوضاع زمان ایشان، ص ۴۶۶ - ۴۸۰.

۲- از جمله، در صفحات ۳۷۲ - ۳۷۳.

را گرفت.<sup>(۱)</sup> احتمالاً در ری قدیم و از آن پس در تهران همانند بسیاری از شهرها، مقابری از بزرگان و قدیسان و عارفان و نیز رباطها و کاروانسرهایی با نام و عنوان «تکیه» وجود داشته است.

باید دانست که واژه تکیه (فارسی آن لنگر)، در فرنهای هفتم و هشتم ه.ق. و حتی شاید هم پیش از آن، به برخی از خانقاهها و رباطهای نزدیک یا بیرون شهرها (بخصوص خانقاهها و لنگرهای قلندران و صوفیان شیعه) اطلاق می شده است. چون در آن زمان دسته‌های عزادار پس از گردش و حرکت در کوچه‌ها و محله‌های شهر، سرانجام به آن مکانها می رفتند و مراسم عزاداری و واقعه گویی، خاصه شبیه سازیها و شبیه خوانیهای ابتدایی را بیشتر در آن مکانها اجرا و برگزار می کردند؛ از آن پس یعنی از اواخر صفویان یا اوایل زندیان که تعزیه و تعزیه خوانی به صورت یکی از آئینهای نمایشی نسبتاً جا افتاده و سامان یافته درآمد و مکانهای وسیع تر و مناسبتی را برای این کار ساختند، آنها را نیز «تکیه» نامیدند.<sup>(۲)</sup> از این رو می توان احتمال داد، برخی از تکایای تهران در گذشته، تکیه به معنا و مفهوم قدیم آن بوده است، و شاید در آنجا، تعزیه خوانی هم می شده و بعدها با اندکی تغییر، یا بدون تغییر، تکیه‌ها به صورت امروزی آن درآمد. بوده‌اند. یکی از نشانه‌های این گونه تکیه‌ها، وجود مقبره و گور و بقعه امامزاده یا عارف و قدیسی در درون یا کنار برخی از این تکیه‌هاست. احتمالاً تکیه‌هایی چون: تکیه «پیرزن» تکیه «پیر عطا» و تکیه «هفت تن» در تهران از این نوع تکیه‌ها بوده است. هم چنین شاید، تکیه «حمام خانم» در چاله میدان و تکیه «باغ پسته بگ» در چاله حصار<sup>(۳)</sup> از نوع رباط و کاروانسرا و یا

۱- نادران دکتر حسین کریمان، تهران در گذشته و حال: ص ۱۲۰-۱۲۳.

۲- در این زمینه، من در بخشی از کتاب «سرگذشت تکایای تهران» که در دست تألیف دارم، با عنوان «بیشینه و تاریخچه تکیه» به اختصار شرحی داده‌ام.

۳- درباره تغییر نام محل این تکیه‌ها، نک: نشانه‌های تهران دوره قاجار. در کتاب «سرگذشت تکایای تهران»، تألیف نگارنده.

تکیه و خانقاه بیرون شهر بوده‌اند، که به تدریج در طول زمان به صورت تکیه به مفهوم امروزی آن درآمده بوده‌اند.



یکی از تکایای مهم و بسیار مشهور تهران در زمان محمدشاه و اوایل عهد ناصری (پیش از ساخته شدن تکیه دولت جدید در کنار شمس‌العماره) تکیه حاج میرزا آقاسی معروف به «تکیه صدراعظم» یا «تکیه دولت قدیم» بوده است. نگارنده این سطور در طول چند سالی که به تألیف و نگارش کتاب «پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی در تهران» مشغول بودم، می‌بایست و علاقه هم داشتم، که از تکایای تهران و تعزیه‌خوانی در آنها، آگاهی‌های بیش از آنچه از پیش می‌دانستم به دست می‌آوردم. از این رو بارها به محله‌های مختلف تهران که تکیه‌ای در آنجاها سراغ داشتم، یا در جایی خوانده بودم، می‌رفتم، و با پرس و جو از پیرمردان و آگاهان محل اطلاعاتی کسب می‌کردم. در این بررسی‌های میدانی و مطالعه نوشته‌ها و مقالات مربوط به تکیه و تعزیه دریافتم که: اولاً، با اینکه نویسندگان تاریخ تهران دربارهٔ این تکیه و تکیه دولت جدید، بیش از تکایای دیگر سخن گفته‌اند، اما مطالب موثق و مستند و پژوهشی در میان آنها بسیار اندک است. ثانیاً، در بیست و اند سال پیش که ژان کالمار<sup>(۱)</sup> استاد دانشگاه سوربن و پژوهشگر نامدار فرانسوی که به ایران آمده بود، روزی برای یافتن سفرنامه‌ای به زبان روسی، به کتابخانه ملی که من در آن زمان کارمند آنجا بودم، آمده بود، از وی شنیدم که در میان سیاحان و مسافران غربی کسی که بهتر و بیشتر از هر کس دربارهٔ تکیه حاج میرزا آقاسی شرح و توضیح داده است، برزین روسی است. او در سالهای ۱۸۴۲ - ۱۸۴۳ م در تهران بوده و چند مجلس تعزیه را در آنجا دیده است. استاد پی‌تر چلکونفسکی<sup>(۲)</sup> ایران‌شناس مشهور آمریکایی، گردآورنده و ویرایشگر کتاب «تعزیه، هنر بومی پیشروی ایران» نیز در

1- Jean Calmard.

2- Peter I. Chelkowski.



مؤخره یا پس گفتار جامع و سردمندی که با عنوان «کنابشناسی» در پایان این کتاب نوشته، به ارزش و اهمیت سفرنامه برزین اشاره کرده است. از این رو من بر آن شدم که این سفرنامه را به دست آورم و با یاری دوستانی که زبان روسی می دانند، از مطالب آن استفاده کنم. در طی هفته‌ها و مه‌ها به کتابخانه‌های ملی، مجلس شورای اسلامی، ملک، مرکزی دانشگاه و حتی برخی از کتابخانه‌های شخصی جستجو کردم، متأسفانه آن را نیافتم. البته دربارهٔ تکیه حاج میرزا آفاسی در روزنامه‌های دوره قاجار و نوشته‌های برخی از محققان تاریخ تهران اشاره‌وار مطالبی آمده است و من خلاصه آنها را در کتاب «پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی در تهران» و با شرحی بیشتر در کتاب «سرگذشت تکایای تهران»، آورده‌ام. لیکن همواره انتظار داشتم روزی این سفرنامه یا ترجمهٔ آن را ببینم. خوشبختانه پس از چندی آگاه شدم که استاد ژان کالمار به یاری همسرش که روسی است، بخش مربوط به تکیه حاج میرزا آفاسی را ترجمه کرده و آن را در ضمن مقاله یا تک‌نگاشته‌ای که سالهاست دربارهٔ مراسم و آیینهای زمینه‌ساز تعزیه در دوره قاجار نوشته، چاپ و منتشر کرده است. به شادی و خوشحالیم افزوده گشت که آن مقاله یا تک‌نگاشته که عنوان آن «بانیان تعزیه‌خوانی» است به قلم پژوهشگر گرانمایه و مترجم نامدار استاد جلال ستاری ترجمه و در کتاب «دربارهٔ تعزیه و تئاتر در ایران»<sup>(۱)</sup> چاپ و منتشر شد، و من از مطالعه آن بهره فراوان بردم.

اما در این مقاله کالمار موارد و مطالب کنگ و مبهمی نیز وجود دارد که معلوم نیست از متن اصلی و گزارش برزین است، یا از ترجمه آن به زبان فرانسه؟ این موارد را مترجم دقیق و بصیر (دکتر ستاری) در پس گفتار مقاله زیر عنوان «توضیحات مترجم» و در بعضی از پانوشتها یادآوری کرده است.<sup>(۲)</sup> نگارنده این سطور با بررسی و تدقیق و تأمل در این توضیحات و نکته‌سنجی‌ها، آنچه به نظرم می‌رسد، و با

۱- به کوشش لاله تنبان، با همکاری جلال ستاری، تهران: نشر مرکز ۱۳۷۴.

۲- نک: ص ۱۰۶-۱۰۹ و پانوشت صفحات آن مقاله که از ص ۴۲ تا ۱۰۱ مندرج است.

آگاهی و شناختی که از این تکیه و سایر تکایای همانند آن دارم و حاصل پژوهشی را که در این زمینه ها کرده‌ام در زیر می‌آورم.

\*\*\*

تکیه حاج میرزا آقاسی / تکیه صدر اعظم، در شمال غربی میدان ارگ در کنار یا محل کاخ دادگستری کنونی قرار داشت.<sup>(۱)</sup> چون در زمان محمدشاه و اوایل پادشاهی ناصرالدین شاه پیش از ساخته شدن تکیه دولت جدید «در کنار شمس العماره و جنوب کاخ گلستان» تزییه خوانیهای دولتی بیشتر در این تکیه برگزار می‌شد، آن تکیه را «تکیه دولت» یا «تکیه دولتی» نیز می‌نامیدند.<sup>(۲)</sup> برخی از نویسندگان تاریخ تهران که از این تکیه نام برده‌اند، آن را به مناسبت نام اصلی حاج میرزا آقاسی (عباس) تکیه «عباس آباد» یا «معرکه عباس آباد» نامیده‌اند.<sup>(۳)</sup> گفتنی است که این نویسندگان محل دقیق تکیه را در ارگ و یا در محل‌های دیگر به وضوح تعیین نکرده‌اند. حتی از بیان اجمالی برخی از آنان برمی‌آید که گویا محل تکیه دولت قدیم را در جای تکیه دولت جدید می‌پنداشته‌اند.<sup>(۴)</sup> به هر حال در نقشه‌های تهران و کتاب آمار دارالخلافه تهران، این تکیه به نام تکیه صدر اعظم ثبت شده و محل آن چنانکه گفتیم در شمال یا شمال غربی میدان ارگ بوده است. تکیه عباس یاد همانگونه که من در جای دیگر

۱- نک: نقشه با کروکی برزین، هم چنین نقشه تهران ترسیم سال ۱۲۷۵ ق به سرپرستی مسیو کرنیش و سعی و اهتمام اعضاد السلطنه و کتاب آمار دارالخلافه تهران، ص ۴۸.

۲- نک: روزنامه وقایع اتفاقیه شماره‌های متعدد از جمله نمره ۱۴۱ و ۱۴۲ نهم و شانزدهم محرم الحرام ۱۲۷۰.

۳- از آن جمله ند: شادروان یحیی ذکا، تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی، ص ۲۴۸، م. حسن بیگی، تهران قدیم، ص ۳۱۷ و ناصر نجمی، دارالخلافه تهران، ص ۱۵، طاهر آرزو نویسنده اخیر مطالب مربوط به ارگ و تکیه دولت و تکیه حاج میرزا آقاسی را از کتاب اسناد ذکا، برگرفته‌اند.

۴- مثلاً: زنده‌یاد کریمان، تهران در گذشت و حال، ص ۲۱۹.

آوردام، در بازار عباس‌آباد تهران قرار داشته است.<sup>(۱)</sup>

**تاریخ بنا** - در هیچ یک از اسنادها و مآخذی که تاکنون آنها را دیده‌ام، از تاریخ بنای این تکیه ذکری نشده است. نویسندگانی هم که از این تکیه با عنوان «تکیهٔ حاج میرزا آقاسی» نام برده‌اند، نه تاریخ بنای آن را ذکر کرده‌اند و نه سند ارتباط آن تکیه را به حاج میرزا آقاسی به دست داده‌اند. حتی به درستی معلوم و محقق نیست که تکیه را واقعا<sup>۲</sup> به دستور حاج میرزا آقاسی و در زمان او ساخته باشند؟ شاید این تکیه همان باشد که در زمان آقامحمدخان ساخته شد و من آن را در کتاب خود «سرگذشت نکایای تهران» با نام و عنوان «تکیهٔ بی‌نام!» شرح داده‌ام. از یک سند خطی نیز چنین برمی‌آید که از سالها پیش تکیه‌ای در محل تکیهٔ دولت وجود داشته است، و در زمانی که آن بخش از ارگ به تصرف حاجی درآمد، به دستور وی آن تکیهٔ قدیمی را تغییر دادند و آن را بازسازی کردند.<sup>(۲)</sup>

**ویژگیهای معماری و ساختمانی تکیه** - براساس پاره‌ای از منابع مکتوب دورهٔ قاجار و گزارشهای برخی از سیاحان غربی، تکیهٔ حاج میرزا آقاسی، پنجاه و دو ذرع طول و سی و دو ذرع عرض داشت، و همانند بسیاری از تکایا در دو طبقه به شکل مربع مستطیل / متوازی الاضلاع بنا شده بود. در وسط آن همچون اغلب تکیه‌ها،

- ۱- مفصودم از «جای دیگر» همان کتاب سرگذشت نکایای تهران است. باید دانست اگرچه بازار عباس‌آباد تهران از بناهای حاج میرزا آقاسی است و این نام ر به مناسبت نام اصلی او «عباس» بر آن نهاده بودند (تهران در گذشته و حال، ص ۲۱۰) اما تکیه‌ای که در آنجا به نام «تکیه عباس‌آباد» قرار داشت ظاهراً ربطی به حاج میرزا آقاسی و نام بازار او ندارد. براساس تحقیق یکی از پژوهشگران براطلاع، بانی یا واقف آن تکیه، گویا تاجر یا کاسبی به نام «حاج عباس» بوده و او آن را سال ۱۲۰۷ ق (زمان آقامحمدخان قاجار) بنا کرده بوده است. (شادروان حسینی بلاغی، تاریخ تهران، جلد ۲، ص ۶۳). این تکیه را نباید با تکیهٔ دیگر به نام «تکیه عباسعلی» یا «حاج عباسعلی» که در بازارچه‌ای به همین نام در خیابان شاهپور قرار داشت، اشتباه کرد.
- ۲- منحصات این سند را در کتاب یاد شده (سرگذشت نکایای تهران) آورده‌ام.

تختی به ارتفاع تقریبی یک ذرع قرار داشت. شمار طاقنماها، حجره‌ها و تالارهای تکیه شصت و چهارتا بود که به احتمال قوی در سه اندازهٔ مختلف (از حیث وسعت یا نه ارتفاع) به صورتی همسان و متقارن در طبقه یکم و دوم بنا شده بودند. این تقارن یا همسانی بر زیبایی تکیه می‌افزود. به گفته برزین سیاح و شرق‌شناس روس، تکیه حاجی از سنگ ساخته شده بود.<sup>(۱)</sup> وی توضیح نمی‌دهد، کدام بخش از تکیه و به چه صورت (بنای اصلی یا سطوح و آزاره‌های آن) از سنگ بوده است. به هر حال گمان نمی‌رود: کل ساختمان تکیه از سنگ بوده باشد، او هم چنین می‌نویسد: «تکیه فقط یک در ورودی دارد»<sup>(۲)</sup> به گمان من این نظر هم درست نیست زیرا حتی تکیه‌های ساده و عادی، دست کم دو ورودی داشته‌اند<sup>(۳)</sup> و تکیه دولت ناصری و تکایائی چون تکیهٔ سلطنت‌آباد دارای چهار پنج ورودی بوده‌اند. از این رو به احتمال زیاد، این تکیه نیز سه یا چهار ورودی داشته است، منتها برزین ظاهراً فقط در بزرگ اصلی را دیده از آن گزارش کرده است.

**شکل طاقنماها و حجره‌ها** - از گزارش برزین چنین برمی‌آید که از شصت و چهار حجره یا طاقنمای کوچک و بزرگ تکیه، چهارتا از آنها، همانند تکایای دیگر به صورت تالار یا ایوان بوده است، بستن و آراستن هر یک از این تالارها را تجار و اینان و اصناف برخی از شهرهای معروف ایران (مقیم تهران؟) برعهده داشته‌اند. این چهار تالار ظاهراً از لحاظ شکل و اندازه هم با حجره‌ها و طاقنماهای کوچک تفاوت داشته‌اند و هم با تالار و طاقنمای درباری و شاه‌نشین در شمال تکیه. تالار شمالی، طبقه دوم آن نشستگاه شاه و صدراعظم و رجال درباری و وزیران مختار بود و تالار جنوبی به تجار و اصناف اختصاص شت که معمولاً «بلورآلات و کالاها

۱- دربارهٔ نعره و نثار در ایران، ص ۸۳.

۲- همانا، ص ۸۵.

۳- خوانندگان ارجمند توجه دارند که ما فعلاً از ورودیه‌های تکیه (راه ورود به تکیه و خروج از آن) سخن می‌گوییم. نه از راهروها و دالانها که به پشت طاقنماها یا طبقه بالای تکیه راه دستند.



و اشیای گرانبهایی در آن می‌نهادند و آنجا را به صورت «نمایشگاه امتعهٔ وطنی» درمی‌آوردند. تالارهای شرقی و غربی به گروه‌ها و اصناف شهرستانها اختصاص داشته است.

برزین از طاقناهای شصت و چهارگانه طبقه یکم و دوم (به جز چهار تالار و تالار درباری و شاه‌نشین که به آن اشاره کرده است) و اینکه جایگه چه کسانی بوده، کمتر سخن گفته است و بیشتر به شرح تزئینات و آذین‌بندی آنها (به اصطلاح بستن تکیه) پرداخته است. به گمان نگارندهٔ این سطور که برخی از تکابای همانند را دیده و به باد دارم، طاقناهای طبقهٔ پائین/یکم، مخصوص اصناف و پیشه‌وران و طاقناهای طبقه بالا/دوم مخصوص زنان از همان صنف و گروه بوده است. هم چنین برزین که از علاقه و اشتیاق زنان به تماشای تعزیه و هجوم آنان به تکیه یاد می‌کند<sup>(۱)</sup> توضیح نمی‌دهد که زنان در کجا و کدام بخش از تکیه می‌نشستند؟

لیدی شیل<sup>(۲)</sup> همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه (در زمان صدارت شادروان میرزا تقی‌خان امیر) که یکبار به این تکیه رفته و شرحی از آن داده است، به جایگاه گروهی از زنان اشاره‌ی دارد. او می‌گوید: «جایگاه مخصوص شاه در بالا و روبروی صحنه قرار داشت و در سمت راست آن، ابتدا جایگاه عمومی شاه و صدراعظم و پس از آن بترتیب [به ترتیب] محل نشستن وزیر مختار انگلیس و وزیر مختار روسیه و دیگران بوده و در سمت چپ نیز جایگاه مادر شاه، زنهای شاه همسر صدراعظم، من و همسر وزیر مختار روسیه قرار داشت... قسمتی از محل تماشاچیان به زن اختصاص داشت که اغلب آنان از طبقات پائین اجتماع محسوب می‌شدند...»<sup>(۳)</sup> اینکه شیل می‌گوید: قسمتی از محل تماشاچیان به زنان عامه اختصاص داشت، به احتمال زیاد آن قسمت سطح زمین جنوبی تکیه بوده است، نه

۱- دربارهٔ تعزیه و تئاتر در ایران، ص ۸۵.

2- Lady (Mary?) Sheil.

۳- خاطرات لیدی شیل، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، ص ۶۹.

طاقنماها. اما اینکه می‌گوید در سمت چپ جایگاه شاه و درباریان و... زنان درباری و او (لیدی شیل) نشسته بودند، قدری محل تردید و تأمل است یعنی برای خواننده آشنا به وضع فرهنگی، اجتماعی و مذهبی ما، این پرسش بیش می‌آید که چگونه در آن زمان، زنان در کنار و جوار مردان، در یک تالار یا طاقنمای مجاور می‌نشستند؟ در این مورد لازم است دو نکته را به اختصار یادآوری کنم: ۱- تا آنجا که من در طی سالها درباره تکاپی تهران و برخی از روستاهای اطراف آن بررسی کرده‌ام، بخش شمالی تکیه‌ها، و یا تالار و طاقنمایی که روی دالان و ورودی اصلی و بزرگ تکیه قرار داشت، معمولاً جایگاه معاریف و بزرگان محل بود (البته در تکاپای دولتی نشستگاه شاه و درباریان). ۲- زنان و همسران اعیان و اشراف و اصناف، در طبقه دوم که در تکاپای اعیانی اغلب «ارسی‌دار» و در تکاپای ساده و عادی «مجردار» بود، به ترتیب مقام و موقعیت صنفی و محلی در طاقنماهای ویژه خود می‌نشستند. اما زنان عامه و خرده‌پا، معمولاً در سطح زمین بخش جنوبی تکیه و روی روی دالان و در بزرگ جای می‌گرفتند. بنابراین می‌توان احتمال داد که خانم شیل در یکی از طاقنماهای دوم زنانه واقع در سمت چپ طاقنمای شاه و درباریان که معمولاً با پاگرد کوچک و دو سه پله از آن جدا می‌شده، نشسته بوده است، نه در تالار مردان و در جوار یا کنار آنان.

برزین نوشته است: «... زیر حجره‌ها نیز شلهای کشمیر آویخته بودند که بیش از شالهای روی جدار حجره‌ها تاخورده‌اند...»<sup>(۱)</sup> مترجم فارسی (دکتر ستاری) این جمله را به حق مبهم تشخیص داده و در توضیحات خود نوشته‌اند: «منظور از زیر حجره در ترجمه فرانسوی نوشته برزین روشن نیست. آیا در بیرون نیز زیر حجره‌ها شال می‌آویخته‌اند؟ همانگونه که گفتیم: بعضی جاهای این ترجمه مبهم است.»<sup>(۲)</sup> به گمان من ظاهراً مقصود از زیر حجره‌ها (اگر از زبان روسی درست ترجمه شده

۱- درباره تعزیه و نثر در ایران، مقاله «بانیان تعزیه‌خوانی»، ص ۸۲

۲- همان، ص ۱۰۸.

باشد) دیوارک یا دیواره‌هایی در حدود نیم یا یک متر است که در فاصله بین سطح طاقنمای پائین و سطح پله‌ها یا سکوه‌های مدور تکیه قرار داشته است. اگر هم در آن تکیه بر عکس بسیاری از تکایا، چنین پله‌ها / سکوه‌های مدوری وجود نداشته است، به هر صورت میان سطح طاقنماها و سطح زمین اصلی تکیه دیواره‌ای به ارتفاع تقریبی نیم یا یک متر بوده است. در این دیواره، تا آنجا که من در آیین‌بندی بسیاری از تکیه‌ها دیده‌ام، پرده یا شال را بر دیواره می‌آویختند، با به طرز افقی می‌چسباندند، و چون معمولا عرض آنها از دیواره بیشتر بود، ناگزیر آنها را تا می‌زدند.

هم چنین همسر کالمار مترجم فرانسه به نقل از برزین می‌نویسد: «دیوارها و سقف‌های سه‌گرفته تماما پوشیده از شالهای کشمیر است و از سقف شالهای گرانبها آویخته‌اند...»<sup>(۱)</sup> مترجم ارجمند در این مورد نیز با قرار دادن واژه فرانسوی در بالا یا از سقف یعنی enhaut در پارتیز، نوشته‌اند، معلوم نیست منظور بالای چه چیز است؟ این اشکال یا ابهام را در بخش توضیحات نیز باآوری کرده‌اند.<sup>(۲)</sup> آنچه من می‌توانم با فرض و حدس و احتمال عرض کنم این است که اولاً: مقصود برزین از چهار غرفه (که سه غرفه آن را قبلاً ذکر کرد و سپس غرفه چهارم را) تالارهای چهارگانه تکیه بوده است، و نه غرفه‌های کوچک و همه غرفه‌ها. ثانیاً: در آراستن و آیین‌بندی این تالارها در ایام محرم، علاوه بر آویختن قالی و شال و پرده به جرزها به طرز عمودی یا افقی، پرده‌هایی را نیز از لبه و تیزه سقف بام اصلی تکیه می‌آویختند، اما آنها را به صورت «سطح منحنی» در می‌آوردند یعنی ضلع زیر پرده را به انتهای «پیش‌بام» می‌کوبیدند و یا می‌چسباندند و پرده‌ها تقریباً به این شکل در می‌آمدند.<sup>(۳)</sup>

۱- همان، ص ۸۵

۲- همان، ص ۱۰۸.

۳- پرده دوزان و متخصصان تزئینات برای این نوع پرده‌آویزی گویا اصطلاح ویژه‌ای دارند که من آن را نمی‌دانم اما به یاد دارم که در قصبه برغان و روستاهای اطراف آن، این شکل از پرده‌ها

تکیه شاه (تکیه شاهی). در محله ارگ علاوه بر تکیه دولت/تکیه حاج میرزا آقاسی، تکیه‌ای به نام «تکیه شاه» یا «تکیه شاهی» وجود داشت که محل آن در میدان ارگ بوده است. معلوم نیست بانی آن کدام یک از شاهان پیش از ناصرالدین شاه بوده است؟ شاید این تکیه همان باشد که میرزا ابوالحسن خان ایلچی در زمان فتح علی شاه آن را در جنوب غربی ارگ بنا کرده بوده است؟ و یا شاید... به هر حال از نام و عنوان تکیه پیداست که تعزیه‌خوانیهای سلطنتی و دولتی معمولاً در آن تکیه برگزار می‌شده است. اما این تکیه از حیث وسعت و بزرگی و شاید هم زیبایی به پای تکیه حاج میرزا آقاسی نمی‌رسیده است. این نکته را برزین نیز یادآوری کرده است.<sup>(۱)</sup> به همین سبب ناصرالدین شاه در اوایل سلطنتش با داشتن چنان تکیه مخصوص در ایام محرم بیشتر اوقات برای تماشای تعزیه و شرکت در مراسم عزاداری به تکیه حاج میرزا آقاسی می‌رفته است.

روزنامه وقایع تفاحیه که در محرم هر سال از تعزیه‌خوانیهای دولتی گزارش می‌دهد و گهگاه از شرکت ناصرالدین شاه (که در آن زمان نوجوان بوده است) در مراسم عزاداری و تعزیه‌خوانی نیز یاد می‌کند، تکیه شاهی را روشن و صریح نام نمی‌برد و اغلب با مسامحه هر دو تکیه را با عنوان «تکیه دولت» یا «تکیه دولتی» ذکر می‌کند. با اینهمه در دو سه شماره این روزنامه با بیانی مجمل به تفاوت این دو تکیه اشاره‌ای دارد و معمولاً تکیه حاج میرزا آقاسی را با عنوان «تکیه دولت» یا «تکیه دولتی» و تکیه شاه را با افزودن میدان ارگ به آن، «تکیه دولتی میدان ارگ» نام می‌برد. مثلاً در یکی از شماره‌های آن چنین آمده است: «این ایام که ایام تعزیه‌داری جناب سیدالشهدا علیه السلام است، در تکیه دولت [تکیه حاج میرزا آقاسی] اوضاع تعزیه‌داری بطور شایسته برپا شده، جمیع طاقهای تختانی و فوقانی آن را از شال ترمه و بلورآلات و مردنگی و غیره ترتیب داده‌اند، پر می‌شود... اعلیحضرت

آویخته ر «پرده‌های ترمه‌یی یا ترمه‌دار» Toedar می‌نامیدند.

۱- درباره نشأت و تعزیه در ایران، ص ۸۷.



پادشاهی همه روزه به تکیه تشریف می‌آورند... در روز هفتم این ماه اعلیحضرت قوی نوکت به تکیه میدان ارگ [تکیه شاهی] تشریف‌فرما شده و از آنجا به عمارت اندرون مؤتمن السلطان نظام الملک<sup>(۱)</sup> تشریف برده، نهار را در آنجا میل فرموده، به تکیه دولت [تکیه حاج میرزا آقاسی] تشریف‌فرما شدند.<sup>(۲)</sup>

**تعزیه خوانی** - در ایام محرم تکیه دولت/حاج میرزا آقاسی را با شالهای کشمیری، قالی و قالیچه و پرده‌های رنگارنگ گرانبها می‌آراستند (به اصطلاح تکیه را می‌بستند). فضای تکیه را با چادری که به دیرک داشت، می‌پوشاندند. شب‌ها در حدود پنج‌هزار چراغ در میان لاله و مردنگی و چلچراغ در آنجا می‌سوخت. در زمان محمدرضا شاه و صدرات حاج میرزا آقاسی تعزیه‌های مجلل و باشکوهی در این تکیه برگزار می‌شد. در اوایل عهد ناصر، در زمان صدرات شادروان میرزا تقی خان امیر نیز تعزیه‌خوانیهای دولتی در این تکیه برگزار می‌شد، و امیر خود بر تکیه نظارت فائقه داشت. ظاهراً در طول صدرات کیهان‌شهر در بهبود وضع تعزیه‌خوانیهای این تکیه دست به اصلاحاتی زده بود.<sup>(۳)</sup> لیلی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در زمان در زمان صدرات امیر در محرم سال ۱۲۶۶/۱۸۴۹ ق. شاهد مجلس تعزیه‌ای در این تکیه بوده و شرحی درباره آن داده است. چون تکیه به نام «تکیه صدراعظم» شهرت داشته، وی پنداشته است بانی آن نیز میرزا تقی خان امیر بوده است.<sup>(۴)</sup>

### رتال جامع علوم انسانی

- ۱- نفصود میرزا کاظم خان نوری، پسر میرزا قاسم نوری صدراعظم، ناصرالدین شاه است
- ۲- روزنامه وقایع اتفاقیه، نمرة ۱۲۱، نهم محرم الحرام ۱۲۷۰، ص ۱
- ۳- از آن جمله، میرزا نصرالله شهاب اصفهانی ملقب به تاج الشعراء، شاعر نامدار را مأمور ساخت که به جای اشعار ساده و سست تعزیه‌نامه‌های آن زمان، اشعار شیوا و خوبی بسراید و شهاب این کار را انجام داد. در این مورد نک: پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی در دوره قاجار، این کتاب به کوشش دفتر پژوهشهای فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی زیر چاپ است و به زودی منتشر خواهد شد.
- ۴- مترجم فارسی این سفرنامه (دکتر ابوترابید) به این موضوع توجه داشته و در پانویست کتاب

در سال ۱۲۶۸ ه. ق. یعنی آخرین سال صدرات مرحوم امیر، چادر تکیه دولت / تکیه حاج میرزا آقاسی، بر اثر وزش تندباد و توفان پاره شد و تعزیه‌خوانی بهم خورد. برخی از تماشاگران و ناظران این حادثه را به فال بد گرفتند و آن را نشانه‌ای از زوال قدرت امیر پنداشتند. رضا قلی خان هدایت در این باب می‌نویسد: ... در شب هفتم محرم [سال ۱۲۶۸ ق] دو ساعت به غروب مانده که ازدحام تمام در آن تکیه‌گاه بود، بادی سخت به هیوب درآمد و دمبدم قوی‌تر گردید، تا چادر آن تکیه را فرو افکند و بعضی از ظروف و بلورینه آلات که در آن عمارت و سقاخانه بود، درهم شکست و باران بیارید. معهذابه حکم جاری اتابک اعظم در آن شب اصلاح آن فساد دست داد، خیمه دوخته و ستون افراخته گردید. جماعتی از مردم در دریدن خیمه و شکستن ستون به شکست عماد جلال و دریدن خیمه اقبال اتابک تطییر کردند و بفال [به فال] نیک نشمردند. و نعم ماقیل:

نظم. بسافال از سر بازیچه برخاست / چو اختر می‌گذشت آن فال شد راست<sup>(۱)</sup>.  
پس از امیر، در زمان صدرات میرزا آقاخان نوری (سالهای ۱۲۶۸-۱۲۷۵ ه. ق.) تعزیه‌خوانی در تکیه دولت قدیم / تکیه حاج میرزا آقاسی با تشریفات بیشتری ادامه یافت. ناصرالدین شاه که در زمان ولایت عهدی و نوجوانیش علاقه و رغبتی به تعزیه و تعزیه‌خوانی نشان نمی‌داد، در محرم هر سال گهگاه و در مواقعی هر روز چنان که قبلاً گفتیم برای تماشای تعزیه به این تکیه می‌رفت. روزنامه وقایع اتفاقیه در شماره‌های متعدد از تعزیه‌خوانی در این تکیه و شرکت شاه در آن یاد می‌کند؛ از آن

توضیح کوتاهی داده است.

۱- روضه الصنای ناصری، ج ۱۰ (چاپ جدید) ص ۴۹۵-۴۹۶ (این خبر در روزنامه وقایع اتفاقیه شماره ۴۰ یازدهم محرم الحرام ۱۲۶۸ نیز درج شده است.) هم چنین خانم کارلا سرنو Mm Carla Srena سیاح فرانسوی در سفرنامه خود به این حادثه اشاره‌ای دارد و زاعتماد مردم در توجیه این وقعه شرحی می‌دهد که با آنچه در روضه‌الصنای آمده است، تفاوت دارد. برای آگاهی نک: آدم‌ها و آیینها در ایران: ترجمه علی‌اصغر سعیدی، صص ۱۶۱-۱۶۲.

جمله در یکی از شماره‌ها چنین می‌نویسد: «تکیه دولت که حسب الامر دیوان همه ساله بسته می‌شود، در جمیع ممالک اینطور تکیه نیست، و به این زینت بسته نشده. از جمله زینت او [آن] یکی اسباب چراغ آنجاست... در این ایام دهه عاشورا بقانونی [به قانونی] که معمول و متداول این دولت علیه است... اعلیحضرت پادشاهی به تکیه دولت تشریف فرما گردیده و دستجات تعزیه‌داران چاله حصار و عودلاجان و سایر محلات با نظم و ترتیب بحضور [به حضور] مبارک آمدند.»<sup>(۱)</sup>

تعزیه‌خوانی در تکیه حاج میرزا آقاسی ظاهراً تا سال ۱۲۹۰ یا ۱۲۹۱ ه. ق. هم چندان ادامه داشت. حتی در سالهایی که ناصرالدین شاه به مناسبت تغییر فصل و گرمای هوای تهران در نیاوران و شمیرانات به سر می‌برد و تعزیه‌خوانیهای دولتی را در تکیه نیاوران یا تکیه سلطنت آباد برگزار می‌کرد، تعزیه‌خوانی در این تکیه (تکیه حاج میرزا آقاسی) نیز هم چندان دایر و برقرار بود. اما از سال ۱۲۹۰ یا ۱۲۹۱ ه. ق. که تکیه دولت جدید در کنار شمس‌العماره و شمال سبزه میدان ساخته شد، برگزاری و اجرای تعزیه در آن تکیه رفته رفته متروک گشت، و ظاهراً آنجا را به «انبار غله و تدارکات قشون» اختصاص دادند. روزنامه ایران در این باب می‌نویسد: «... روز هجدهم ذی‌الحجه الحرام که از اعیاد عظیمه مذهب اثنی عشریه است [عید غدیر] به موجب معمول در حضور همایون سلام عام شد... سه ساعت به غروب مانده، مخزن تدارکات قشون را که بتازه [به تازه] در تکیه دولتی ترتیب یافته و به اهتمام امین لشکر قرّ و زیب پذیرفته، به قدم مبارک تبرک فرمودند...»<sup>(۲)</sup> در میان اسناد خانوادۀ شادروان معیرالممالک (ناظر و سرپرست بنای تکیه دولت جدید در کنار شمس‌العماره) نیز سندی هست که به تعمیر و ترمیم تکیه دولت قدیم/تکیه حاج میرزا آقاسی و انبار غله که در شمال آن قرار داشت، اشاره‌ای دارد. پس از آن معلوم نیست این بنا به چه صورتی درآمد و یا در اختیار کدام یک از سازمانهای دیوانی و

۱- نمرة ۱۴۲، شانزدهم محرم الحرام ۱۲۷۰.

۲- روزنامه ایران، نمرة ۲۰۸ جمعه ۲۵ ذی‌الحجه الحرام ۱۲۹۰.

## تکیه حاج میرزا آقاسی ۱۷۲

دولتی قرار گرفت؟ تا اینکه در اوایل سلطنت رضا شاه که بخشهایی از ارگ را تخریب و نوسازی کردند، ظاهراً محل تکیه دولت و دیوانخانه عدالت که در کنار آن قرار داشت، به ساختمان کاخ دادگستری اختصاص یافت.

بیاض نقریه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی